C.

4127266

133

Majmu'a (collection)

(Divination, interpretation of dreams, etc.).

133

Lucknow
20.VI.27.
W.I.

| ٦ | ٥ | ٤ | ٣ | ٢ | ١ |
|---|---|---|---|---|---|
| سنبله | اسد | سرطان | جوزا | ثور | حمل |
| ١٢ | ١١ | ١٠ | ٩ | ٨ | ٧ |
| حوت | دلو | جدی | قوس | عقرب | میزان |

حروفهای مرفوع التسنی
اهطمفشذ حروفهای
منصوب بادر خستضبوی
حروفهای مجرور ابی جزک
سقنظ حروفهای مجزوم
خاکه دخلع رجغ رنکهای ستاره

زحل سیاه
بخور عود لوبان

مشتری صندلی
عود و شکر

مریخ سرخ
عود ملاکیر

شمس زرد
عود دارچینی
بکد

زهره سپید
عود صندل سپید

عطارد محروره
عود صندل سرخ

قمر سبز
عود کافور

خانهای هر یک ستاره

زحل
جدی و دلو

مشتری
قوس و حوت

مریخ
حمل و عقرب

شمس
اسد

زهره
ثور و میزان

عطارد
جوزا سنبله

قمر
سرطان

بسم الله الرحمن الرحیم

قبل از شروع دعوت سه روز روزه دارد و اگر اسم
جمالی باشد از دوشنبه و اگر جلالی باشد از شنبه و اگر
مشترک باشد از یکشنبه ابتداء صوم ازین روز نماید
چون شب چهارم درآید طعام نخورد و وضو کرده در گوشه
بنشیند و باستغفار مشغول گردد و هم دران گوشه قرار
کند چون آخر شب شود برخیزد و وضو کند و تحیت الوضو
بگذارد بعد ازان دوگانه دیگر به نیت کشف الارواح
بگذارد بدین نیت نویت ان اصلی لله تعالی

الجنی

2

رکعتین صلوة کشف الارواح متوجها الی جهة الکعبة

الله اکبر بعد فاتحه در هر رکعتی والله غالب علی امره و

ولکن اکثر الناس لایعلمون بخواند بعد سلام هزار

کرت دعا ملکیه بخواند دعا اینست آه و آه و آه

درعین خواندن توجه بباطن کند از توجه باطنی نمودار

خواهد شد بعنایة الله تعالی بعده در روز چهارم وقت

طلوع افتاب غسل پاک کند چون از غسل فارغ شود

هفت بار بر کف دست آب گیرد و بر هر آبی هفت

کرت سوره فاتحه خوانده و دم کرده بر سر اندازد

تا حصار دعوت و مانع رجعت شود بعد غسل پاکیی

تکلم نکند تا که هزار کرت اسم بخواند بعد غسل تحیة الوضو

بعد ختم شغل ارواح در دل ارواح در مکان ظاهر شود انشاء الله

بگذارد و در رکعت اول بعد فاتحه هفت کرت شهد الله انه لا اله
الا هو و الملائکة و اولو العلم قائما بالقسط لا اله الا هو العزیز
الحکیم ان الدین عند الله الاسلام با کلمه شهادت یعنی اشهد
ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و اشهد ان محمدا عبده
و رسوله و در رکعت دوم بعد فاتحه و قال ربکم ادعونی
استجب لکم ان الذین یستکبرون عن عبادتی سیدخلون
جهنم داخرین با کلمه تمجید بخواند یعنی سبحان الله و الحمد لله
تا عظیم بخواند بعد از سلام این آیه هفتاد بار بخواند و
و اذا سألک عبادی عنی فانی قریب اجیب دعوة
الداع اذا دعان فلیستجیبوا لی و لیؤمنوا بی لعلهم
یرشدون از خدا مطلوب خود خواهد بعده بار و ح

چون حاجت مهم پیش کند بعد غسل دو رکعت
در رکعت اول و آخر دو سه کرت بگوید
سبحان الله [illegible] سبحان الرحمن الرحیم
و [illegible] خواند
[illegible] حیث [illegible]
آنچه [illegible] بقبله باشد
و در حالت خواندن [illegible]
و دست راست بر دست راست بنهد و
انگشت شهادت بلند کرده
و این ره [illegible] چنانچه [illegible]
و اشاره میکند بر [illegible] خود

حضرت رسالت صلی الله علیه وسلم و سایر انبیاء عظام و
عشره مبشره و سایر اصحاب کرام و جمیع شهدا او نامدار و
مشایخ کامکار یکان یکان دوگانه اجالا ادا نماید و به پیران
ظاهر و باطن توجه کرده جمل و یک کرة سورة فاتحه خواند ثواب
بروح ایشان بخشد بعده اذا زلزلت الارض دو کرة و
اخلاص سه کرة و فاتحه پنج کرت خوانده مخصوص ثواب به پیران
سهرورد گذارد بعده دوگانه بروح حضرت شیخ شیوخ
شهاب الدین سهروردی گذارد فاتحه خوانده بتوجه تمام
متوجه شده مدد طلبد بعده دوگانه بروح سلطان الموحدین
شیخ ظهور حاجی حضور [illegible] بعد ان فاتحه خوانده .
یا ظهور الحق نود و نه کرت گوید و از حضرت ایشان نیز مدد طلبد

9 10 بعده دوگانه بروح حضرت شیخ محمد غوث قدس سره و یکدوگانه
بروح بندگیا حضرت شیخ لشکر محمد عارف قدس سره و یک
11 12 دوگانه بروح حضرت شیخ الاولیا شاه علی قدس سره
و بعد هر دوگانه بروح آن بزرگ فاتحه خوانده استمداد همت
13 نماید بعده یک دوگانه بروح حضرت قدوة العارفین
زبدة الکاملین حضرت شیخ برهان الحق والدین راز الهی
ادا کند بتوجه تمام از حضرت ایشان استمداد مدد و همت
14 طلب کند بعده یک دوگانه به نیت سلامتی مرشد خود ادا کند بعده
15 یکدوگانه محبة لله بگذارد در هر رکعتی بعد فاتحه سوره
اخلاص بیست و یک کرت بخواند بعد اداء دوگانه بحضور
دل بحضرت حق متوجه شود و بمقدار نوبت درود گوید و سجده کند

بعده دعوت مقطعات دوازده مرتبه اسم را با موکلات

برج ضم کرده بخواند و از ایشان مدد طلبد بدین طریق بخواند

یا سراجیل ١ یا سراطیل ٢ یا سطائیل ٣ یا سرائیل ٤

یا سهراکیل ٥ یا محکیائیل ٦ یا قهقائیل ٧ یا مرصائیل ٨

یا قفصائیل ٩ یا عزرائیل ١٠ یا سکرائیل ١١ یا سمکائیل ١٢

بحق سبحانک لا اله تا آخره بعده موکل کوکب را با اسم ضم کرده هفت

مرتبه بخواند و از ایشان مدد طلبد بدین طریق یا ارفائیل

یا بخزاد یا بهائیل یا کلیمنا یا اسمون یا اشکی یا توبل

بحق سبحانک الی آخره بعده اسم را با ده موکل ضم کرده لوذونه

کرت بخواند بدین طریق یا هواکیل ١ یا سائیل ٢ یا کلصائیل ٣

بحق سبحانک الی آخره بعده هفتاد مرتبه درود بخواند بعده

---

و وقت شروع [illegible] و
و وقت خواندن [illegible]
یا [illegible] یا [illegible] یار و اسم
موکلات [illegible] اول
با جبرو موکل و از اسم [illegible]
تا اسم [illegible] و درود را بار و [illegible]
کوکب هفت بار

---

هر بار و وقت [illegible] از انفصال
و وقت شروع [illegible] کردن دعا مستجاب
[illegible] تا آخر بخوانند
بعد یا مفتح الابواب [illegible] و درود
هر روز در وقت ابتدا [illegible] موکل
دوازده مرتبه اسم [illegible] هفت
بخوانند و وقت تمام شدن [illegible]
مرتبه بخوانند و [illegible] اراده
و در دعوت این طریق [illegible]

یا هو الکبیر الحی سبحانک لا اله الا انت یا رب کل شیء و وارثه

در ازقه و راحه بعدد جمل اسم و رقم برج که قوس است و رقم
۱۶۶ ۲۵۶۱

ستاره که شمس و رقم نام خود که سید محمد است جمع هر چهار سه هزار
۴۰۰ ۹۲

یکصد و بیست و سه میشود بخواند این اسم را که موافق کوکب است

عود و دارچینی است و کوکب موافق برج مذکور مشتری است
۹۵۰

عدد این برای تکمیل شرایط بخواند این اسم را در روز

شمس یا در ساعت شمس دعوت کند در دایره رنگ شمس که

زرد است کرده بران هشته برج مذکور کشیده بر سر آن

مصلا فراز کرده اعداد مذکور بخواند بعد اتمام هفتاد مرتبه

اسم یا بر موکل مذکور بخواند والسلام شرایط کلی و جزوی

اگر در همان روز که مقطعات تمام شود کلی جزوی شروع کند

جز

برای تکمیل شرایط بس هزار
اسم را در یک یا چهل بست بخوانند

حاجت غسل دو دوگانه نیت و اگر روز دیگر شروع کند غسل

دو دوگانه بطریق مذکور بجا آرد اسم را بار موکل یا هو اکیل

یا سائیل یا کلصائیل بحق سبحانک تا آخره نوزده کرت

بازهفتاد مرتبه درود بخواند بعده به نیت نصاب چهل

۴۶۰۰۰

وشش هزار بعده یا وکیل زکوات هفده هزار بعده یا مجیب

۵۵ ۱۷۰۰۰ ۶۶

عشر دو هزار پانصد شست و پنج بعده یا ولی قفل شش

۲۵۶۵ ۴۶ ۶۰۰

صد بعده یا فتاح دور مدور مجموعه اسماء عظام چهل و یکمرتبه

۴۸۹

بعده یا معطی بذل چهل ویکهزار بعده یا وهاب ختم نوزده

۱۹۰۰۰ ۱۴ ۴۱۰۰۰ ۱۲۹

هزار بعده یا هادی سریع الاجابت یک لکه و بیست

۲

چهار هزار و هفصد و هشتاد و دو و این سریع الاجابت را

تا مادامی که تواند ایام طاق اختیار کرده وقسمت روز مره

متساوی نموده بخوانند واگر جزوی از قسمت زیاده ماند ازا
در آخر روز هم را متساوی تمام کنند بعده هفتاد کرت
یا هموکیل یا سائیل یا کلصائیل بحق سبحانک الح بخوانند زود
موثر خواهد شد بعنه وکمال کرمه **مقطعات** یا اله الالهة
الرفیع جلاله طریق دو گانها چنانچه بالا مذکور ادا نموده بعد از
غسل دو دو گانها دوازده مرتبه اسم را با موکلات بر چهار و هفت
مرتبه با موکلات کوکبها چنانچه بالا مذکور است خوانند یا اسرافیل
یا ائیل یا هکطائیل بحق سبحانک یا اله الح محدود نه کرة
خوانده هفتاد مرتبه درود بخوانند بعده یا اسرافیل بحق یا اله
الح موافق ارقام حروف اسم وارقام برج اسد وارقام
۶۵ ۱۶۵
کوکب زحل وارقام اسم سید محمد جمع هر چهار یکهزار یکصد و چهل
۱۱۴ ۹۲ ۴۵

[illegible]

می شود بخواند و عدد کوکب شمس ۴۶۰ که موافق برج اسد است برای تکمیل
شرایط بخواند و این اسم را در روز زحل یا در ساعتش بخواند بعد
اتمام هفتاد مرتبه اسم یاره موکل مذکور بخواند زود موثر خواهد شد ان شاء الله
بعده شرایط کلی و جزوی این اسم بدین طریق شروع کند ترتیب:
غسل و دوگانه چنانچه بالا مذکورست نگاه دارد بعده اسم را
یاره موکل یا اسرافیل یا ائیل یا هکطبائیل بحق
یا اله تا آخره نود و نه کره خوانده هفتاد مرتبه درود بخواند بعده
به نیت نصاب یا اله شروع کند نصاب ۲۳۰۰۰ بعده یا وکیل ۶۶
زکوت ۹۰۰۰ نه هزار بعده یا مجیب ۵۵ عشر ۱۱۶۵ یکهزار یکصد و شصت و پنج
بعده یا ولی ۴۶ قفل ۴۰۰ چهارصد بعده یا فتاح ۴۸۹ دور مدور مجموعه
اسماء عظام چهل و یک مرتبه بعده یا معطی ۱۲۹ بذل ۱۷۰۰۰ هفده هزار

عشر این اسم با اعتبار دیگر
نهصد و هشتاد و پنج است

بوده یا وہاب ختم شش ہزار بوده یا ہادی سریع الاجابت
۱۴ ۲۰ ۶۳۳۷۱
شست وصد ہزار و سہ صد و ہفتاد و یک ضابطہ خواندن
سریع الاجابت چنانچہ بالا مذکور است نگاه باید داشت
بوده ہفتاد مرتبہ بارہ میکائیل یا اسرافیل یا ائیل یا ہکشبائیل
نحی یا اله تا آخر نخواند زود موثر خواهد شد مقطعات
یا رحمن کل شیئ ورا حمه یا رحمن بعد از غسل و دوگانہ اسم را
با موکلات بر چہار دوازده مرتبہ و ہفت مرتبہ با موکلات
ستاره ہا چنانچہ بالا مذکور است خوانده یا امواکیل
یا راائیل یا نقصعبوائیل نحی یا رحمن الح نود و نہ
کرت نخواند و ہفتاد مرتبہ درود نخواند بعد یا امواکیل
نحی تا آخر بعد جمل اسم و جمل برج عقرب و جمل ستاره زهره
۹۲۰ ۳۷۲ ۲۱۷

شش عقرب برج سعید
در نه مصلا اند زاند

دجمل اسم شهید محمد که جمع این هر چهار یکهزار و پانصد و هشتاد و چهار
۹۲
میشود بخواند و باعتبار بریج مذکور ستاره مریخ است رقم این برای
۸۵
تکمیل شرایط بخواند بعد اتمام هفتاد مرتبه اسم بابه موکل مذکور
بخواند بخور این اسم عود و صندل سفید است و در روز زهره یا
ساعتش شرایط این باید داد و السلام بعده شرایط کلی و جزو
این اسم بر طریق بدهد ترتیب غسل و دو کانها چنانچه بالا مذکور است
نگاه دارد بعده اسم را بابه موکل یا اموآکیل یا رائیل
یا نقصعوائیل بحق یا رحمن الخ نود و نه کرت خوانده هفتاد
مرتبه درود بخواند بعده نصاب یا رحمن کند نیت نصاب
۱۶۰۰۰
شانزده هزار بعده یا وکیل زکوات یازده هزار بعده
۱۱۰۰۰ ۶۶
یا مجیب عشر نهصد و بیست بعده یا ولی قفل پانصد بعده
۹۲۰ ۵۵ ۲۶ ۵۰۰

یافتاح دور مدور مجموعه اسماء عظام چهل ویکمرتبه بعد
۵۰۰ ۲۴۱

یامعطی بذل باشانزده هزار بعده یا وهاب ختم
۱۲۹ الی ۱۶۰۰۰ ۱۴۱ ۶۰۰۰

بعده یاهادی سریع الاجابت چهل وسه هزار و شش صد و
۲۰ ۴۳۶۵۵

پنجاه وپنج ضابطه سریع الاجابت چنانچه بالا مذکور است

نگاه دارد بعده هفتاد مرتبه یا بسه موکل یاامواکیل یاداثیل

یاالفصعبوائیل بحق یارحمن تا آخر بخوانند زود موثر خواهند

شرایط مقطعات یا واحد الباقی اول کل شی و آخره

بعد از غسل و دوگانه این اسم را با این موکلات بر چهار دوازده

مرتبه و هفت مرتبه با موکلات ستاره چنانچه بالا مذکور است

خوانده یارفتمائیل یا وائیل یا دوزبائیل بحق یا واحد

الخ نود و نه کرت بخوانند بعده هفتاد مرتبه درود بخوانند

شنبه و سه شنبه حوت
سنبله زنک ... ده ... و ...
... اند

رنگ ستاره مشتری سبز است
و باعتبار دیگر برج حوت است
و ستاره بهر دو وجه مشتری است
۹۵
بدین اعتبار جمع هر چهار یکهزار
هشت صد و شصت شش میشود

۱۸۶۶

8

بعده یا رفتمائیل بحق یا واحد الباقی الخ بعدد جمل اسم
١٣٧٩
ورقم برج دلو و رقم ستاره مشتری ورقم اسم شید الله محمد کریم
٤٠ ٩٥٠ ٩٢
جمع این هر چهار دو هزار چهار صد سی و چهار میشود بخواند و
باعتبار برج مذکور ستاره زحل است رقم این برای
٤٥
تکمیل شرایط بخواند بخور این عود و شکر سرخ و در روز
مشتری یا در ساعتش شرایط این اسم شروع کند و بعد اتمام
اسم هفتاد مرتبه اسم بار موکل مذکور بخواند والسلام
شرایط حرفی این اسم ترتیب غسل و دوگانه چنانچه بالا
مذکور است بجا آرد بعده اسم را باره موکل یا رفتمائیل یا داثیل
یا دوزبائیل نود و نه مرتبه خوانده و هفتاد مرتبه درود بخواند
بعده بنیت نصاب شروع کند نصاب دو هزار چهار صد
٢٤٠٠

بعده یا وکیل زکوات سه هزار و شش صد بعده یا مجیب
۶۶ ۳۶۰۰ ۵۵

عشر چهار هزار و دو صد بعده یا ولی قفل سه صد بعده یا فتاح
۴۲۰۰ ۴۶ ۳۰۰ ۴۸۹

دو ید ور نه هزار بعده یا معطی بذل هفت هزار بعده یا [illegible]
۹۰۰۰ ۱۲۹ ۷۰۰۰ ۱۱۴

خیتم یکهزار و دو صد بعده یا هادی سریع الاجابت
۱۲۰۰ ۲۰ ۷۴۴۵۷

هفتاد و چهار هزار و چهار صد و پنجاه و هفت این را در ایام

طاق معین کرده هر روز متساوی عدد بخواند و روزی که

شروع کند هزار کرت هزار کرت با سوره فاتحه اسم را ضم

کرده بخواند و در آخر دعوت هزار کرت با اسم فاتحه ختم کرده

بخواند بعنایت الله سریع الاجابت گردد بعده اسم را

با سه موکل مذکور هفتاد مرتبه بخواند والسلام مقطعات

یا حلیم ذا الاناة فلا یعادله شیء من خلقه بعد از غسل و دو گانه

آن نقطه اول نقطه الم و آخر
آن نقطه اول سوره ... عیاد
سه خاتم ... علم ... جمیع
صاحب عمل ... اول ...
مخصوص ... خلق
و آخر ... حق
معتقد ... ابر
... و ...
... رند ... و ...
نظر ... از ...
... و ...

که بالا مذکور است که دوازده اسم را با اسماء موکلات هر چهار دوازده

مرتبه و هفت مرتبه با موکلات ستارها خوانده بلود و نذکره

با اسماء موکل یا تنکفیل یا حائیل یا ملزائیل بحق یا حلیم

تا اخر بخواند و هفتاد مرتبه درود بخواند بعده یا تنکفیل

بحق یا حلیم تا آخر بعد زحل اسم و رقم برج قوس و رقم ستاره
۲۶۳۷ ۱۶۶

مشتری و رقم اسم سعید محمد که جمع هر چهار سه هزار و هشت صد
۹۵۰ ۹۲

چهل و پنج و باعتبار دیگر برج دلو است و ستاره موافق
۴۰

برج زحل است عدد این ستاره برای تکمیل شرایط
۴۵

بخواند و بعد اتمام هفتاد مرتبه اسم را با اسماء موکل مذکور

بخواند بخور این عود و شکر است و رنگ سندیا است

و در روز مشتری یا در ساعتش شروع این بکند والسلام

[illegible]

شرایط کلي وجزوي این اسم ترتیب غسل و دوگانهٔ

چنانچه بالا مذکور است بجا آرد بعده اسم را بابه موکل

یا شکفیل یا حائیل یا ملزیائیل لحو یا حلیم تا آخر

نود ونه کرت خوانده هفتاد مرتبه درود بخواند بعده به نیت

نصاب شروع کند نصاب سی هزار بعده یا وکیل
۳۰۰۰۰ ۶۶

زکوات پانزده هزار بعده یا مجیب عشر دو هزار
۱۵۰۰۰ ۵۵ ۲۶۳۹۰

شش صد و سی و نه بعده یا ولی قفل بعده یا فتاح
۴۶ ۴۰ ۴۸۹

دور حدور مجموع اسماء عظام جبل و یکم تبه بعده یا
۴۱

یا معطی بذل بیست و شش هزار بعده یا وهاب
۱۲۹ ۲۶۰۰۰ ۱۴

ختم هژده هزار بعده یا هادي سریع الاجابت
۱۸۰۰۰ ۲۰ ۹۵۱۷۹

هشتاد هزار و یکصد و هفتاد و نه ضابط خواندا

۸۵

سریع الاجابت چنانچه بالا مذکور است دیده عمل نماید
بعد اتمام هفتاد مرتبه باره موکل مذکور اسم را بخواند
زود موثر خواهد شد بمنه وکماله کرمه ان شاء الله تعالی

**مقطعات** یا رحیم کل صریخ ومکروب غیاثه و
معاذه غسل و وضو کا نها چنانچه بالا مذکورات ادا نموده
بعده اسم را با موکلات بر چهار دوازده مرتبه و هفت
مرتبه با موکلات ستاره را خوانده باره موکل یا اموا کیل
یا رائیل یا مرزائیل بود و نه مرتبه بخواند بعده هفتاد
مرتبه درود بخواند بعده یا مرزائیل بحق یا رحیم تا آخر
بعده جمل اسم وجمل برج سرطان وجمل ستاره زهره
۲۱۷ ۳۲ ۳۸۳۴
جمل نام سید محمد جمع هر چهار یکهزار چهار صد و چهل و نه
۹۲

میشود بخوانند و ستاره زحل که موافق خانه است برای
۴۵
تکمیل عدد این بخوانند و هشته برج سرطان برنگ سفید
نگاشته در ته مصلا بدارد بخور این عود و سندل سفید است
در روز زهره یا در ساعتش شروع این شرایط بکند
و بعد اتمام هفتاد مرتبه اسم را با سه موکل مذکور بخوانند
روز دوم نثر خواهد شد بمنه و کمال کرمه **مقطعات**
یا مبدئ البرایا و معیدها بعد فنائها بقدرته
غسل و دو گانه چنانچه بالا مذکور است کرده
بعده اسم را با موکلات برج دوازده مرتبه و هفت
مرتبه با موکلات ستارها خواند با سه موکل یاروبائیل
یامائیل یاامواثیل بحق یامبدئ البرایا تا آخر

۱۱

بوذونه کرت بخواند بعده هفتاد مرتبه درود بخواند
بعده یا رویائیل بحق یا مبدی البرایا تا آخر بعدد
جمل اسم و جمل برج عقرب وجمل ستاره شمس ۱۳۵۲ ۳۷۲ ۴۰۰ بخواند
وارقام اسم سید محمد ۹۲ که جمع هر چهار دو هزار دو صد
بیست و شش میشود و عدد کوکب مریخ که موافق عقرب است
عدد این برای تکمیل شرایط بخواند و این را در روز
شمس یا در ساعتش شروع کند بعد اتمام هفتاد مرتبه
اسم با به موکل مذکور بخواند و هیئت برج عقرب
برنگ زرد ساخته در ته مصلا بدارد و بخور
این عود و دارچینی است کلی جزوی این اسم را
ترتیب غسل و دوگانه چنانچه بالا مذکور است بجا آرد

بعده اسم را ماره موکل یاروبائیل یامائیل یاامواٸیل

لحی یامبدئ البرایا تا آخر نود و نه کرت خوانده.

هفتاد درود بخواند بعده به نیت نصاب شروع کند

نصاب سی و پنج هزار بعده یا وکیل ٦٦ زکوات

چهارده هزار بعده یا مجیب ٥٥ عشر یکهزار و سیصد و

هفتاد و یک بعده یا ولی ٤٦ قفل پانصد بعده یا

یا فتاح ٤٨ دور مدور مجموعه اسماء عظام چهل و یکمرتبه

بعده یا معطی ١٢٩ بذل بیست و هفت هزار بعده

یا وهاب ١٣ ختم هژده هزار بعده یا هادی ٢٠ سریع

الاجابت هفتاد و هشت هزار و هشت

صد و نود و دو مرتبه بخواند ضابط خواندن

صحیفة الدولہ

12

| ب | د | ج | ه | ا | ز | ح | و | ط |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| خدا | رسول | چار یار | اهل بیت | پیر | عرش | کرسی | لوح محفوظ | قلم |
| بیت المعمور | اختر | آسمان | برج | فرشته | زمین | بیت المقدس | کعبه | مدینه |
| خانقاه | میکده | بهشت | دوزخ | کنشت | عناصر | پری | رخش | آتش |
| روز | دیو | شمع | شب | شهر | کتاب | باغ | عمارت | کوه |
| صحرا | کشتی | دریا | بهار | برق | ابر نیسان | خزان | ماهی | وحوش |
| شست | طیور | مور | دد | کنج | مار | اعداد | زیور | جوهر |
| هفت حویلی | کحل | عطریات | آبگینه | جنس ابریشم | جنس پنبه | زلف | جرمینه | پشمینه |
| نباتات | میوه | جنس بشر | غله | معجون | اطعمه | عقاقیر | تصویر | اشربه |
| رنگ | نعمه | ساز | ظروف | اسلحه | فرش | بازی | باطل | حق |

## صحیفه الاخری

| ه | ز | و | ح | ط | ب | ج | ا | د |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| خدا | بیت المعمور | خالق | روز | هوا | پشت | هفت جوش | نباتات | رنگ |
| رسول | اختر | میکده | دیو | کشتی | طیور | کحل | میوه | نغمه |
| چاریار | آسمان | بهشت | شمع | دریا | مور | عطریات | جنس شیر | ساز |
| اهل بیت | بیره | دوزخ | شب | بهار | دد | آئینه | غله | ظروف |
| پیر | فرشته | گشت | شهر | برق | گنج | جنس ابریشم | معجون | اسلحه |
| عرش | زمین | عناصر | کتاب | انسان | مار | جنس منیه | اطعمه | فرش |
| کرسی | بیت المقدس | پری | باغ | خزان | اعداد | زر لفیف | عقاقیر | بازی |
| لوح محفوظ | کعبه | حق | عمارت | ماهی | زیور | جرمینه | تصویر | باطل |
| قلم | حرمین | انس | کوه | وحوش | جوهر | پشمینه | اشربه | حق |

13

قاعده غالب مغلوب

بسم الله الرحمن الرحیم

اجمعین
الحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی محمد وآله واصحابه
بدانکه این رساله ایست مسمی بغالب ومغلوب که حکیم جهان
وفیلسوف دوران ارسطاطالیس از برای سکندر فرستاده بود و
نامه نوشته که بعضی از انعام تو بر من واجب است بران خوشی
که کسی مثل آن نکرده باشد ادا نمایم وبعد از تامل بسیار قرار
بآن افتاد که آوردن غالب ومغلوب از وجه حساب جمل وضع
ترتیب کرده شود وبتوفیق الله تعالی هرگاه که خواهند میان دو کس
معلوم کنند که غالب کدام است ومغلوب کدام از همه چیزها مثل
پادشاهان وعابدان ومتعبدان وعمل متفرقان ولشکریان
وزن وشوهر وخواجه وغلام ودو خصم که نزد قاضی روند از این
حساب معلوم کنند اما باید که در حساب غلط گواهی نکنند نام آن
دو کس را حساب کنند هشت هشت طرح کنند وببینند که غالب کدام است

جنس نباشند

واگر دو جانور باشند نام هر دو را حساب کنند واگر خلاف

نام صاحب ایشان را حساب کنند واگر خواهی که مستقبل تراهیکوم تو

ولی شبه از ماضی که دور آدم علیه السلام هست تا اکنون همچنین

حساب گزین پس که چگونه راست می اید وصفحات این نسخه

بر هشت باب هست بتصویر نثر و دوم بتحریر نظم که کتاب نصاب صبیان

اصل اوست بسم الله الرحمن الرحیم

| | | | | | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ا | ب | ج | د | ه | و | ز | | | | | | |
| ۱ | ۲ | ۳ | ۴ | ۵ | ۶ | ۷ | | | | | | |
| ح | ط | ی | ک | ل | م | ن | س | ع | ف | ص | ق | ر |
| ۸ | ۹ | ۱۰ | ۲۰ | ۳۰ | ۴۰ | ۵۰ | ۶۰ | ۷۰ | ۸۰ | ۹۰ | ۱۰۰ | ۲۰۰ |
| ش | ت | ث | خ | ذ | ض | ظ | غ | | | | | |
| ۳۰۰ | ۴۰۰ | ۵۰۰ | ۶۰۰ | ۷۰۰ | ۸۰۰ | ۹۰۰ | ۱۰۰۰ | | | | | |

حساب جمل منظوم

بریز در صدف سینه ای پسر بدر ... زبحر دلکش محنت سفینهای گهر

مفاعلن فعلات مفاعلن فعلن ... بخوان ز بعد و این قطعه نصاب از بر

یگان شمار ز ابجد حروف تا حطی ... پس از آنگه از کلمن تا سعفص عشر

و لیک از قرشت تا ضظغ بود صدگان ... مثل از حساب جمل شد تمام مستظهر

باب اول یکی با هشت یکی غالب یکی با هفت یکی غالب یکی

با شش یکی غالب یکی با پنج یکی غالب یکی با چهار یکی غالب

یکی با سه یکی غالب یکی با دو یکی غالب یکی با یکی طالب

غالب باب دوم دو با هشت دو غالب دو با هفت هفت

غالب دو با شش دو غالب دو با پنج پنج غالب دو با چهار

دو با

دو غالب دو با سه غالب دو با دو طالب غالب باب سیوم
سه با هشت هشت غالب سه با هفت سه غالب سه با شش شش غالب.
سه با پنج سه غالب سه با چهار چهار غالب سه با سه طالب غالب
باب چهارم چهار با هشت چهار غالب چهار با هفت هفت غالب
چهار با شش چهار غالب چهار با پنج پنج غالب چهار با چهار طالب غالب.
باب پنجم پنج با هشت پنج غالب پنج با هفت هفت غالب پنج با شش
پنج غالب پنج با پنج طالب غالب باب ششم شش با هشت شش غالب.
شش با هفت هفت غالب شش با شش طالب غالب باب هفتم
هفت با هشت هشت غالب هفت با هفت طالب غالب باب هشتم
هشت با هشت طالب غالب تمام شد ابجد هوز
۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷
حطی کلمن سعفص قرشت
۸ ۹ ۱۰ ۲۰ ۳۰ ۴۰ ۵۰ ۶۰ ۷۰ ۸۰ ۹۰ ۱۰۰ ۲۰۰ ۳۰۰ ۴۰۰
ثخذ ضظغ
۵۰۰ ۶۰۰ ۷۰۰ ۸۰۰ ۹۰۰ ۱۰۰۰

15

بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین

لله الحمد و للرسول صلواته چون خلاصه علم نفس یعنی معرفت دم که در هیچ یکی از کتب فلاسفه یو

و حکمای عراق و خراسان مذکور نگشته و خالی از غرابتی نیست و از شایبه کذب مبرا است لهذا

در ضمن یک اشاره و چهار دقیقه بر سبیل یادگار ثبت نموده شد و بالله نستعین و نتوکل

اشاره در تبیین علم نفس باید دانست که علم نفس از اسرار و مخفیات حکمای هند است که استتار

از نامحرمان یعنی ارباب فضول واجب دانند و در کتب قدیمه آمده که این علم از مخترعات مهادیو است

و این راز را با زن خود یعنی پاربتی ظاهر نمود و از آنجا شایع گردید اما از علمای هند فر

جوگیان درین فن ممتاز باشند خاصه مردم قریه که در جبال کشمیر واقعست و آن

بنا نهاده جوگیان قدیمست و در آن مکان دره بزرگ در کوه افتاده و نهری صافی

ر

16

بوده این است جوکیان از هر طرف حجره ها در سنگ تراشیده که سکونت دارند حکمت اشراق

رسم و آئین ایشان است کاملان این گروه از استکمال نفس در هوا پرواز کنند و بر روی آب روند

و امراض جسمانی را بی استعمال ادویه علاج کنند در کتب تاریخ وارد است که علمای این طایفه اصول دین خود را

شریعت حضرت آدم علیه السلام درست کنند و میگویند که چون حضرت آدم از بهشت بر زمین وارد

شده کوه سراندیب را بمقدم شریف گرامی ساخت شریعت آن ابو البشر بدین طریق بود بهر تقدیر این علمیت

را تعلق ببدن انسان دارد و با مور خارجه محتاج نیست و اگر شخصی چندروز بموجب قواعدی که

در ذیل مسطور است بشغل آن پردازد بی مزید کلفتی و احتمال رنجی و مشقتی جلمهاش از سوی خطا

محترز باشد و بصوب صواب مایل ولیکن روزی گیری و پاس انفاس مقید بودن شرط است

دفعه اول در معرفت دم و خواص انفاس بدانکه قمر در اصطلاح این طایفه مؤنث است و شمس مذکر

بینی را دو پره است پس نفسیکه از سوراخ چپ بینی اید بقمر منسوب بود و چه در بدن سردی ارد

خاصیت ماه سرد است و دمیکه از سوراخ راست بینی اید بافتاب منسوب بود و چه مزاج انرا گرم بود

بر مثال مزاج آفتاب چون بتجربهٔ حکما مقرر است که مزاج زنان در اصل خلقت سرد و تر است و

مزاج مردان گرم و خشک یکی که وجه تسمیهٔ شمسی بمذکر و قمری بمؤنث همین بوده باشد و گفته اند

که هر کس وزن و سن نموده و در شبها نفس قمری و در روزها نفس شمسی جاری دارد مرد کامل عجب دارند

گردد و طریق گردانیدن نفس از طرفی بطرفی دیگر آنست که مثلا اگر دم از جانب چپ روان است و خواهد

که بسوی راست آرد بر پهلوی چپ بغلطد و ساعتی صبر کند از جانب راست جاری خواهد شد و اگر خواهد

که از جانب راست بجانب چپ آید بر پهلوی راست دراز شد پس اگر نفس شمسی جاری باشد بامور عل

پرداختن مثل زدن و فریب دادن و عقد اللسان و اعمال تسخیر و عداوت و مغلوب ساختن خصم و کوبید روان

و تصرف نمودن در دلها نیک بود و همچنین در هنگام جنگ و عذر و قمار و نرد و شطرنج و غسل و طعام

خوردن و مباشرت با زنان و خرید و فروخت و بیم و ترس و هزیمت نفس شمسی بهتر بود و اگر

نفس قمری جاری بود بکارهای ملایم شروع نمودن مانند طلب محبت و استعمال ادویهٔ تقوی و

عمل علویات و شغل باطن و تصفیهٔ قلب و روان شدن و خیرات کردن و ترویج و لبس جامه و آن

و صلح

وصلح با عدای و درآمدن در خانه نو پسندیده و مبارک بود و اگر کسی از امور مذکوره سوال کند نفس قمری
جاری باشد هم نیک بود و گفته اند هر نفس که جاری باشد خواه شمسی خواه قمری پای آن جهت را پیش کرده
روان شدن نهایت سودمند بود دقیقه ثانیه در احکام محاربات اگر دو کس که اراده مقابله دارند
آمده از فتح خود پرسند اگر سایل اول در جهتی آمده باشد که نفس از آن جهت روان بود باید گفت
فتح تو خواهد شد و دویم اگر از آن جهت که نفس جاری نباشد آمده پرسد باید گفت که فتح او خواهد باشد
و همچنین اگر شخصی از جنگ دو کس پرسد که فتح کدام یکی از آنها خواهد شد نام هر کدام را که اول برده باید
فتح کند بشرطیکه سایل در جهت نفس جاری باشد و هر کدام را که در آخر نام برده باشد و سایل در جهتی
بود که در آن جهت نفس جاری نباشد آنکس فتح کند و هر کس را که در جهت خالی باشد اول بر زبان
آورده هزیمت یابد اگر در هنگام جنگ نفس قمری از استیهائی یعنی مقیم جاری بود فتح کند و باید که
استیهائی بهمان وقت جنگ کند که نفس قمری او جاری بود و جائی یعنی آینده و وقتی بجنگ
برود که نفس شمسی او جاری باشد که برآینه فتح کند و دستور چنان است که نفس جاری در هنگام
جنگ از مقابله دشمن بر تافته و جانب خالی در مقابل داشته جنگ کند و چون بدین قاعده عمل نماید.

هر آینه دشمن مغلوب گردد و یا کشته میشود و علمای هند گفته اند که درین علم اصلا شک و شبهه نیست و اگر
خواهد که بر دشمن حربه اندازد جانب خالی را در مقابل دشمن داشته حربه افکند و چون دشمن بر سر آنکس
باید و خواهد که حربه افکند باید که نفس جاری در مقابل او دارد تا مجروح نگردد و اگر مجروح گردد زخم کاری
نیاید و اگر نفس قمری از استهائی جاری بود و استهائی در جانب مشرق یا شمال جائی بود
استهائی فتح کند و اگر نفس شمسی جانبی جاری و جائی در مغرب و یا جنوب استهائی باشند جائی فتح کنند
و چون نفس قمری جاری بود که قمر را تقابل با جیب داشته جنگ کند و اگر نفس شمسی جاری بود
باید که آفتاب را در پس پشت یا جانب راست گرفته جنگ کند فتح و ظفر ارد و ضابطه در یافتن
جانست که چون قمر در مثلثه آتشی بود که آن حمل و اسد و قوس است مشرق بود و اگر مثلثه خاکی
باشد که آن ثور و سنبله و جدی است قمر جنوبی بود و اگر در مثلثه بادی که جوزا و میزان و دلو است
باشد قمر مغربی بود و اگر در مثلثه آبی که سرطان و عقرب و حوت است باشد قمر شمالی بود و قس علیهذا
فی الشمس  دفعه ثالثه  در علاج امراض اگر شخصی را ماده حرارت بر بدن مستولی گردد خواه بت
صفراوی و دموی و خواه هر قسم حرارتی که باشد مثل صداع وغیره علاجش آنست که سورا

راست بینی را اگر شبها روزها یا زیاده بعد از زوال آن حرارت بابینه اینه بسدود بسازد چنانکه

دم از آن جهت بیرون نتوان رفت البته حرارت نقصان پذیرد بلکه زایل گردد و این عمل بکرات بتجربه

رسیده و همچنین در تبهای بلغمی و سوداوی که یا غلبه رطوبت و برودت سوراخ چپ را بسدود بسازد و ایران

تسولیس رهائی یابد و اگر کوشش نموده خود را بر وجهی آراسته سازد که تنها نفس قمری و روزها

نفس شمسی بی تکلف و تعب جاری مانده باشد اصلا بیماری و تغیر مزاج او راه نیابد و از ضعیف و

پیری و سستی اعضا و لوازم آن محفوظ باشد و مصداق این سخن مشاهده حال جوکیان است این

عوارض در بدن ایشان کمتر افتد و اکثر عمر دراز یابند و طعام را البته در نفس شمسی تناول باید نمود تا

سریع الهضم و کثیر النفع باشد و در نفس قمری بر عکس آن بود چون کسی را زنبور دنبه و یا مار و یا کژدم و یا

دیگری از حیوانات موذیه گزیده باشد اگر وزش دم بوجهی که مذکور شد درست باشد تاثیر آن به باطل

شود و اگر وزش بدار رخ باید که فی الحال نفس قمری جاری سازد و از سستی تمام نگاه دارد تا الم زحمه

که الما نماند زود در بدن تاثیر یابد و اگر مانده کی سفر روی دهد یا حزن و اندوه عارض گردد

و یا غشی افتد نفس قمری جاری ساختن علاجی تمام بود باید دانست که در نفس شمسی مباشرت

مباشرت کردن با زنان بهتر بود چه درین صورت ضعف و سستی کمتر افتد و امساک زیاده شود

و اگر زن حامله گردد اغلب که پسر زاید و در نفس قمری بخلاف این بود و اگر در حال مباشرت از

جانبی که نفس جاری باشد خواه شمسی خواه قمری هوای بیرونی را بخود درکشد و انرا با نکشد

و از جانب خالی ارسال نماید و باز از همان جانب که جاری بود بکشد و از طرف خالی بر آرد دام

زیاده آرد و چون این عمل بتدریج بفزاید بجائی رسد که اختیار بدا آید چنانچه تا نخواهد منی از محل

جدا نشود فافهم دقیقه رابعه در بیان فواید متفرقه اگر سایلی از سوی نفس جاری آمده سوال

از هر چه پرسیده باشد خواه خیر خواه شر باید گفت که هر آینه واقع شود و اگر از جانب نفس خالی

بپرسد بر عکس آن بود و اگر سایل در مقابل مسئول عنه و یا از بالای او مثل پشت بام مانند

باشد و یا از جانب چپ بود درین صورتها او را جواب باید شمرد و دران هنگام نفس قمری جاری

از هر چه سوال کرده باشد ثمره نیک یابد و اگر از دست راست یا پس پشت و یا در محل پستی او بود

درینصورتها سایل را در جانب دست راست باید انگاشت و دران حال اگر نفس شمسی جاری

از هر مهمی که پرسیده باشد نیک بود و بر عکس این صورتها نتیجه بد دهد و طریق دیگر آنکه سایل

سوال

سوال اگر از جانب نفس شمسی بود حروف عبارت سوال او را باید شمرد اگر طاق است مهم او بر آید و اگر جفت
است بر خلاف آن بود و همچنین اگر سایل در جانب نفس قمری باشد حروف سوال او را ملاحظه کند اگر
زوج است نیک بود و اگر طاق است بر عکس صورت اول باشند و چون شخصی از حقیقت حامله پرسد اگر از
جانب نفس جاری پرسیده باشد باید گفت که پسر خواهد شد و اگر از طرف نفس خالی پرسد دختر شود
اگر در وقتی پرسد که هر دو نفس جاری باشد باید گفت که توامان شود از ذکر و انثی و اگر در هنگامی سوال
کند که نفس از یکجانب منقطع گردیده و از جانب دویم شروع نموده باشد اسقاط حمل شود و نقل کرده اند که گور
نفس شمسی هر حاجت که از سلاطین و ارباب ثروت خواهد روا گردد اما بسیاری و مداومت این نفس علامت
پریشانی خاطر و نامرادی بود و شروع نمودن در کارها در نفس قمری مبارک شود و هر مقصود که دارد
زودی حاصل شود و اگر سایلی از جانب راست آمده از غایبی سوال کند و نفس شمسی جاری بود
غایب بسلامت باز آید و اگر از جانب چپ آید و نفس قمری بود نیز بسلامت آید و لیکن اگر از جانب چپ آید
و نفس راست جاری بود دلیل بر بیماری و مرگ غایب بود و در کتب معتبره این علم آمده
که چون وقت صبح از خواب بیدار شود نفس خود را ملاحظه نماید که با کوکب آن روز در تذکیر و تانیث

موافقت دارد یا نه اگر موافق باشد یا نباشد موافق تواند کرد دران روز اسباب شادمانی روی نماید

و آن بر دو قسم بود اول آنکه هم کوکب نر باشد و هم نفس یعنی از جانب راست بود و دویم آنکه هر دو

مونث باشند بر هر دو تقدیر باید که قدم را از جهتی که نفس جاری باشد به قرینه پیش کرده بر زمین نهند

و اگر کوکب ابرو و نفس با یکدیگر مخالف باشند ابرو نیک نباشند اما قدم را موافق کوکب ابرو بر زمین نهد

اگر کوکب مذکر بود اول قدم راست بر زمین نهد والا قدم چپ بعد ازین که مذکور شد و تذکیر و تانیث

کواکب بدین صورت است زحل مونث مشتری مذکر مریخ مذکر شمس مذکر زهره مونث عطارد خنثی

قمر مونث و تذکیر و تانیث ایام بدین قیاس است که شنبه مونث یکشنبه مذکر دوشنبه مونث سه شنبه مذکر

چهارشنبه خنثی پنجشنبه مذکر جمعه مونث باشد والله اعلم بحقیقة الحال تمت

بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین

لله الحمد و للرسول صلواة چون تعبیر خواب و وابسته بعقل سلیم و فکر مستقیم است و یکی از آنجا

این علوم شریفه نزد اولیا و انبیا و حکما معتبر بوده و علما در شرح و تفصیل آن کتب متداوله

بر روی کار آورده اند شمه از آن بتقریب سخن در مطاوی مقدمه و چند عنوان مذکور

ومن الله

وَمِن الله تیسیر الامور مقدمه علم تعبیر عبارت است از معرفت احوال خوابها و کیفیت احکام آن و آن
علمی شریف است و معجزه یوسف صدیق علی نبینا و علیه السلام بوده و حضرت یوسف از آن در برابر
ملک بیان کرد چنانچه حق سبحانه تعالی در قرآن مجید از وی حکایت فرموده فی قوله تعالی رب قد آتیتنی
من الملک و علمتنی من تاویل الاحادیث و شرح آن چنانکه باید در این مختصر ایراد نتوان کرد
عنوان اول در حقیقت خواب و شرایط صحت و اسباب آن بدانکه روح حیوانی تا دائم متوجه ظاهر
بدن است اعضا در حرکت باشند و بیداری عبارت از آن باشد و چون آن بخار لطیف متوجه
باطن شود در حواس ظاهر تعطیل راه یابد و خواب عبارت از آنست و سبب دیدن اشیاء در خواب
یا بواسطه آن بود که نفس بنابر تعطیل حواس ظاهره بروحانیات متصل شود و بر مغیبات مطلع گردد
یا بسبب آنکه قوه متخیله بجهت اشتیاق آن چیزی یا از بیم آن بقوت چیزی در وقت بیداری
تصور صورتی کرده باشد و بحافظه سپرده و چون در بیداری بنابر اشتغال حواس ظهور الصور
او را میسر نشده بود بوقت خواب برای او ظاهر گردد یا بواسطه آنکه مزاج روح متغیر شده باشد
یکی از اخلاط اربعه بر بدن مستولی گشته و قوت متخیله تابع او گردیده و در غالب اوقات